



## کندوکاوی در سهمیه‌بندی بنزین

از ساختار اقتصادی کشور و نابسامانی‌های آن ناشی شده است؟ به عبارت دیگر علت است یا معلول؟ به نظر می‌رسد که دولت آوردگاه‌های دیگری نیز داشته و دارد و برنگارنده معلوم نیست که کدامین منطق طرح مزبور را از این اولویت و ضرورت برخوردار ساخته و به یک باره آن را به مساله اول حوزه اقتصادی در نظام مبدل ساخته است. از بانیان این طرح باید پرسید که آیا تمام ظرفیت‌های خود را برای اصلاح ساختار مالیاتی کشور و نیز کاهش هزینه‌های اجتناب‌پذیر دولت، به خدمت گرفته‌اند؟ به نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاری خارجی محدود و ناچیز، ساختار حقوقی ضعیف، ناکارآمدی بنگاه‌های اقتصادی دولتی، احتضار سرمایه‌گذاری مولد (عدم رونق تولید) و رشد و فریبی عرصه تجارت و بازار از موانع عمده توسعه اقتصادی و اصلاحات تعیین‌کننده در عرصه اقتصاد محسوب می‌شوند. شرایطی که

شایانی رساند و البته نخبگان عرصه نظر و عمل چنین خواهند کرد. در متن حاضر اما به برخی از آثار و نتایج غیر اقتصادی عملیاتی شدن این طرح توجه بیشتری مبذول خواهد شد، ضمن این که از تاکید بر این نکته نمی‌توان باز ایستاد که قانون‌گذاران و مجریان نظام از فحوص و بحث و نقد و نظر و گفت‌و شنود جاری در فضای عمومی بسیار منتفع خواهند شد و بسنده کردن به تایید و تشویق‌های همراهان همدل گاه بزرگترین آفت و مانع بازدارنده بر راه تحقق اهداف خرد و کلان است که خود را متعهد به آنها می‌خواهیم و می‌نماییم. پیش از ورود به مبحث پیامدهای روانی-اجتماعی اجرای طرح سهمیه‌بندی کردن بنزین جای طرح این پرسش وجود دارد که آیا تنها معضل و بزرگترین چالش اقتصادی کشور واردات بنزین است، یا این مشکل، مشکلی در کنار سایرین بوده و حتی



محمد رضا زمردی

سهمیه‌بندی بنزین بی‌تردید یکی از بزرگترین تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دولت نهم و نیز نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. هر دیدگاه و نظری در خصوص اجرای این طرح داشته باشیم، اهمیت فوق‌العاده و تاثیرگذاری وسیع آن را نمی‌توان انکار کرد. لذا تصور نگارنده بر آن است که بررسی بی‌طرفانه و به دور از دغدغه‌های جناحی معمول می‌تواند به شناخت ابعاد مساله و پیامدهای آن کمک

وابستگی اقتصاد ایران به درآمد تک محصولی نفتی را تثبیت و تشدید کرده‌اند. روند خصوصی‌سازی و اجرای کامل اصل ۴۴ هم با دشواری‌هایی روبه‌روست. فاصله گرفتن از مسیر تحقق برنامه چهارم توسعه و نیز سند چشم‌انداز بیست ساله نیز به تازگی توسط پاره‌ای از ناقدان ناصح گوشزد شده است. به عبارت دیگر کاستی‌ها و نواقصی که از دولت انتظار می‌رفت که دلیرانه هم خود را وقف ترمیم و اصلاح آنها نماید، هر چه کمتر مورد اعتنا قرار می‌گیرند. و صرفاً با یک معلول که از ساختار اقتصادی واقعا موجود نفتی- دولتی، نشأت گرفته برخورد انقلابی صورت می‌گیرد بی آن که چنین تصمیمی اتکا به پژوهش‌های گسترده و برآوردهای متقن داشته باشد. پیوند تنگاتنگ سیاست و اقتصاد در ایران، گاه موجب می‌شود که دولتی خود را از مشاورت بخش بزرگی از نیروهای نخبه نظام محروم سازد و از این رهگذر به رغم نیت خیرخواهانه و دلسوزانه و مخلصانه، در خلاف جهت منافع ملی گام بردارد. باری در عرصه اجتماعی و مدیریتی کلان

انسدادهای ارتباطی و نظایر اینها ریشه در ناکامی‌ها، دشواری‌ها و رنج‌های زندگی روزانه دارند. بی آن که در این موقع و مقام قصد داوری پیرامون وضعیت سلامت روانی در ایران وجود داشته باشد، به نظر چنین می‌آید که این طرح به بخش بزرگی از اعضای جامعه به نسبت‌های متفاوت فشارها و تنگنانهایی را تحمیل کرده است...

بخشی از این فشار به زحمتکشانی وارد می‌آید که به ناگزیر از طریق شغل رانندگی روزگار می‌گذرانند. ضمن این که مساله حمل و نقل به تمامی جمعیت شهری و نیز روستایی مربوط بوده و آنها را درگیر می‌کند. وانگهی یکی از عوامل مهم و موثر در بهداشت روانی، نحوه گذران اوقات فراغت است. و کمبود بنزین هم سفرهای درون شهری و هم مسافرت‌های برون شهری (بخصوص به دلیل تقارن با تعطیلات تابستان) را تحت الشعاع قرار می‌دهد. سرمایه‌گذاری‌های ناچیز در صنایع تفریحی و محدودیت‌های آشکار در این حوزه، چنین گردش‌های گاه و بی‌گاهی را برای بخش بزرگی از



نیت‌ها کافی نیستند، نتیجه‌ها هم برایمان اهمیت دارند و نیل به نتایج مطلوب هم در گرو اتخاذ و اختیار ابزار و وسایلی است که ما را به آن نتایج برسانند. در مباحث اقتصادی - توسعه‌ای گاه از یادمان می‌رود که انسان، محور توسعه و هدف راستین آن است و اجرای یک طرح یا تصمیم را نمی‌توان بدون لحاظ کردن آثار و نتایج مختلفی که برای وی به بار می‌آورد به ارزیابی نشست. از چنین منظر و مرامی است که به بخش دیگر این نوشتار وارد می‌شویم.

بسیاری از آسیب‌های روحی- روانی چون افسردگی، اضطراب، پرخاشگری، تنش، انواع

جمعیت شهری به تنها تفریح ممکن بدل ساخته است. بروز دشواری‌های آشکار در این زمینه نمی‌تواند با بهداشت روانی بی‌نسبت باشد و به نحوی آن را تهدید نکند.

این درحالی است که روستائیشینان که مبدعان طرح سهمیه‌بندی نیاز آنان به یارانه بنزین را ناچیز تلقی کرده‌اند نیز از اجرای آن متضرر می‌شوند. بر خلاف تصور موجود، زندگی بخش بزرگی از جمعیت روستایی بدون آمد و شد مداوم با شهرستان‌ها و روستا شهرهایی که نقطه التقای دهستان‌ها و روستاهای بسیاری می‌باشند، تقریباً غیر ممکن

است. نگارنده از مشکلات جدی برخی از این جمعیت سختکوش و زحمتکش در شمال کشور که به دنبال اجرای این طرح به وقوع پیوسته‌اند، از نزدیک وقوف یافته‌است. بنابراین اساساً معلوم نیست که طرح مزبور به اهداف اصلی خود نایل آید. چون حذف یارانه که فی‌نفسه هدف نیست، هدف بهبود وضعیت محرومان و رنجبران و هرز نرفتن سرمایه ملی به نفع اقشار برخوردارتر است. در حالی که نقشه جامع قشربندی و طبقاتی جامعه ایران هم شاید هنوز در دسترس نباشد.

از سوی دیگر از آنجا که بسیاری از مشاغل به نحوی به حمل و نقل گره می‌خورند، سهمیه‌بندی بنزین پاره‌ای از فرصت‌های شغلی را تهدید می‌کند. بالاخره دست اندرکاران و مسوولان امر باید مد نظر داشته باشند که در صورت درست بودن تحلیل‌های طرح شده در این نوشتار، تلاطم وضعیت اختلال‌آمیز مزبور آسیب‌ها و معضل‌های روانی- اجتماعی متنوعی را موجب خواهد شد و لازم است که از محل صرفه‌جویی ارزی ناشی از اجرای درست این طرح (که نظارت پیگیر و مجدانه‌ای را می‌طلبد) اعتباراتی به تخفیف و ترمیم آسیب‌های محتمل مزبور اختصاص یابد. ضمن این که این پرسش خطاب به ارباب اندیشه و نظر مطرح خواهد بود که چه ضمانتی وجود دارد که منافع اقتصادی حاصل از اجرای این طرح به نحو رضایت بخشی بیشتر از مضار غیر اقتصادی (اجتماعی) آن باشد.

باری اگر به جای توجه صرف به توسعه اقتصادی، به توسعه منابع انسانی بیندیشیم، نه تنها در تصمیم‌گیری‌های کلیدی اقتصادی، توانمندسازی را لحاظ خواهیم کرد، بلکه فقر را هم نه صرفاً بر حسب پایین بودن درآمدها و دشواری در تأمین خوراک و پوشاک و سرپناه و نظایر اینها که در ناتوانی و محرومیت از پرورش قابلیت‌های انسانی خواهیم دید. اگر هدف خود را پرورش انسان‌های شکوفا و زاینده قرار دهیم، نه تنها آموزشمان را دگرگون خواهیم کرد، بلکه هر تصمیم و طرحی را که با آن شکوفاسازی در تباین و تنافی باشد، به دیده‌ی تردید خواهیم نگرید. در غیر این صورت روند فرسایش سرمایه انسانی تسهیل و تسریع خواهد شد و نمودهای این پدیده به اشکال مختلف بروز خواهد کرد؛ و وضعیتی بگرنج، اختلال‌آمیز و آسیب‌گون را ایجاد خواهد کرد که ترمیم و اصلاح و ضبط و مهار و درمان آن مایه‌ی رنج و عذاب طاقت فرسای خردمندان دلسوز و خادمان فکور خواهد بود.